

سُورَةُ مُحَمَّدٍ ٤٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی کران
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ
﴿١﴾

بر آنان که کافر شدند بر احد بستند ز کین راه خلق بر صمد
ضلالت پذیرد چو افعالشان تباهی بیفتد بر اعمالشان
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ
﴿٢﴾

و آنان که گشتند مؤمن به هو به اعمال نیکو بکردند رو
به قرآن که نازل بشد بر نبی بیاورده ایمان، شدند متقی
خداوند ببخشید گناهانشان به اصلاح رسانید همه کارشان
ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ كَذَلِكَ
يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ
﴿٣﴾

چنین است که کافر بدین گونه اطاعت ز باطل کند بالمآل
حال

ولی مؤمنین اندر این سیر و راه اطاعت نمایند ز یکتا اله خداوند به تمثیل گفته بیان که مطلب شود درک خلق جهان

فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَإِمَّا مَنَا بَعْدُ
وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِن لِّيَبْلُوَ
بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۖ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ



به هنگام جنگ و به وقت نزاع	ز جانها نباید که گردد دفاع
شوید روبه‌رو تا به کفار به جنگ	ز نید گردن کافران بی‌درنگ
به حالی که دشمن بگردد زبون	فراوان چو ریزد ز افراد خون
اسیران جنگی ببندید تنگ	به هنگام حرب و به میدان جنگ
رهاشان کنید بعد از این ماجرا	و یا اینکه گیرید ز ایشان فدا
که سختی این‌گونه جنگ و جدال	فرو می‌گذارد چنین بالمآل
چنین حکم باشد ز پروردگار	به وقتی که آید میان، کارزار
خدا گر که می‌خواست او بالیقین	تقاص می‌گرفت خود ز این کافرین
نیازی نداشت او به جنگ شما	که نصرت نخواهد در این ره، خدا
ولیکن بود امتحانی یقین	در این جنگ بالقوه با کافرین
هر آن کس که در جنگ بهر خدا	شده کشته در حرب و گشته فنا
یقین رنج و اعمال او بالمآل	نخواهد که ضایع کند ذوالجلال

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ



مسلم هدایت ز پروردگار رسد بهر ایشان به اصلاح کار

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ



به باغ بهشت جمله گیرند مقام بر آن جایگه آشنایند تمام

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ



شما اهل ایمان و ای بندگان! بدانید یقیناً همی بی گمان
که گر نصرت حق کنید در امور کند نصرتی بر شما آن غفور
ببخشد شما را ثبات قدم به وقت حوادث همی دم به دم

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ



و آنان که کافر شدند بر خدا هلاکت ببینند و گردند فنا
چو بطلان همی بوده در کارشان ضلالت ببخشد به اعمالشان

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنْزِلَ اللَّهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ



کراحت نمودند چو اندر نگاه به آیات قرآن، ز فعل گناه
خدا هم ز این کفر و رفتارشان کشید خط بطلان بر اعمالشان

﴿٩﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا



مگر هرگز ایشان به سیر و سفر نکردند زمین طی، نمایند نظر؟
که بینند فرجام اقوام پیش در آخر بگشتند چه زار و پریش
که دست خدا کرد نابودشان چنین او کند نیز به امثالشان

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ

بود ذاتِ ایزد خودش رهنما بر آن مؤمنین در صراطِ خدا
 نباشد ولی بهرِ کفار چنین ندارند مولا و یاورِ یقین

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

خداوند برَد در بهشتِ برین فقط اهل ایمان و آن متّقین
 که آرند کار نکو در جهان بگردند در زمره‌ی صالحان
 به زیرِ درختان در آن جَنّتان روان است جویبار و نهرِ گران
 ولی کافران که به دنیای پست به عالمِ بچسبیده شهوت‌پرست
 چو حیوان بود خوردن و کارشان بود دوزخِ آتشین جایشان

وَكَايْنِ مَنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتَكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

پیمبر! چه شهرهایی اندر زمین که بود استوارتر زِ مکه یقین
 همان شهری که رانده گشتی زِ آن زِ افعالِ جهّال و هم کافران
 هلاکت رساندیم به حدِّ کمال نبود یآوری بهرشان بالمآل

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زَيْنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

چگونه بود فردی با طیبّات؟ که بُرّهان به دست دارد و بیّنات
 بود مثل و مانندِ آن جاهلان؟ دهند جلوه خوب، زشتیِ کارشان
 شدند پیروِ نفس و بی بند و بار به دنیای فانی در این روزگار

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّنْ مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّنْ لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٌ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

﴿۱۵﴾

زِ جَنّتِ که وعده بشد آشکار
که جاری بود نهرها پُر زِ آب
زِ نهرهای دیگر لَبَن‌ها روان
و نهرهایی دیگر پُر از خمرِ ناب
و نهرهای خالص به جوی‌ها روان
ولیکن فراتر زِ هر نعمتی
همی مغفرت هست زِ پروردگار
مگر هست قیاس، حالِ
نیکوسرشت؟

بود همچو آن دوزخی در مقام؟
چو باشد شرابش زِ آبِ حَمیم
که در قعرِ آتش بود مستدام
شود پاره امعای او در جحیم

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

﴿۱۶﴾

گروهی منافق زِ این مردمان
ولیکن چو فارغ شوند از حضور
تمسخر کنند هم اهانت چنان
بگویند رسول باز لب برگشود
یقیناً به قلبِ چنین مردمان
زِ نفسِ پلید بردهند سرکشی
دهند گوش بر تو زِ پند و بیان
کنند غیبتِ تو زِ جهل و قصور
بر اهلِ کتاب و بر آن عالمان
حساب و کتابی به گفتش نبود
زده مُهرِ جهل، خالقِ مهربان
هوی^۱ و هوس را کنند پیروی

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

ولی آن کسان که هدایت شدند به گفتار حق گوشِ فرمان برند
 خداوند زِ لطفش فزونی نمود عطا کرد تقویٰ بر ایشان و دود
 فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ

پس آیا بوند منتظر کافران؟ که ایمان نیارند اندر جهان؟
 فرا می‌رسد بی‌خبر یومِ دین ببینند کیفر، یقین کافرین
 علائم و شرطِ قیامت پدید ندیدند کفار و از ره رسید
 در آن حال، دیگر تذکر چه سود؟ که یومِ حساب آمد و در گشود
 فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

بدان که نباشد خدایی جز او طلب آر غفران خود را از او
 بخواه مغفرت نیز از سیئات برای همه مؤمنین، مؤمنات
 خدا نیک داند که در آخرت چه مأوا دهد هر کس و منزلت
 وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ لَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ ۖ فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ ۖ لَا رَأْيَ
 الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

بگویند جمعی از آن مردمان که هستند به ظاهر همه مؤمنان
 که حکمِ جهاد را که هست مستحق چرا سوره نازل نکردست حق؟
 ولیکن فرود آید آر سوره‌ای که تکلیف کند حرب بر جملگی

در آن دم نفاق آورند دل‌پریش دورویی کنند هم ز اعمالِ خویش
به مانند آن کس که از ترسِ جان زِ هوش رفته و گشته مرده عیان
نگاهت کند خیره‌سر، پرگناه هلاکت بود حقشان زان نگاه

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ

﴿۲۱﴾

بر آنان که حق را کنند جستجو لزوم است طاعت، و گفتِ نکو
پس از آنکه امری رسد بالیقین که تکلیف گشته زِ ذاتِ مبین
بود بهترین، بهر این مردمان که تصدیق کنند امرِ ربِّ جهان

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

﴿۲۲﴾

شما ای منافق‌گروه! در جهان رُخِ خود بتابید اگر از میان
زِ قرآن و از ذاتِ پروردگار زِ جهل و نفاق اندر این روزگار
فساد گر نمایید اندر زمین کنید قطعِ ارحام از روی کین
گمان می‌کنید آخرِ کارتان امیدِ نجاتیست هم بهرتان؟

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ

﴿۲۳﴾

همین مردمانِ منافق، یقین که حق کرده نفرینشان این‌چنین
زِ گوش و زِ چشم، کور و کر او نمود نبینند هدایت زِ ذاتِ ودود

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

﴿۲۴﴾

پس آیا تفکر و تدبیر کار ندارند به قرآن پروردگار؟
 نهدند آیا زِ جهل، گمراهان؟ به دل‌هایشان قفل‌هایی گران
 إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ

﴿۲۵﴾

کسانی که ره یافتند از سبق هدایت بگشتند همی سوی حق
 ولی گشته مُرّتد به راهِ خدا بکردند پشت و زِ حق هم جدا
 چو شیطان نمود جلوه در نزدشان خطا خود برفتند زِ آیینشان
 وسیله بیاراست ابلیس عجیب به آمالِ دور و دراز داد فریب
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

﴿۲۶﴾

چنین مردمان بازگشتند زِ دین به کفار بستند پیمان زِ کین
 بگفتند که ما جملگی هر زمان کنیم پُشتی و یاوریتان نهان
 به تأکیدِ این عهد، از ماسبق کراحت بورزیم به آیاتِ حق
 ولیکن به قلب و به دل‌هایشان خدا هست عالمِ زِ اسرارشان
 فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

﴿۲۷﴾

چگونست احوالِ این جاهلان به وقتی که گیرد مَلک جانشان
 زِ قهر، تازیانه خورند پشت و رو که این هست سزای منافق، دورو
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ

﴿۲۸﴾

بکردند طی چون که راهِ خطا که منجر بگردیده خشمِ خدا
 نپیموده ایشان رهی استوار که راضی بود ذاتِ پروردگار
 خدا هم زِ فعل و زِ کردارشان کشید خطّ بطلان بر اعمالشان

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ

﴿۲۹﴾

هم آنها که در قلب دارند مرضِ دورویند و اهلِ نفاق و غرض
 گمان می‌کنند که خداوندگار؟ نسازد چنین کینه را آشکار؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۚ وَ لَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

﴿۳۰﴾

رسولِ گرامی! بدان بالیقین اگر که همی خواست ربّ مبین
 به تو می‌نمود نیتِ کافران به وحیِ حقیقت به نزدت عیان
 که آگه شوی تو زِ سیمایشان زِ حالِ پلید و زِ نیاتشان
 چو لب می‌گشایند با سفسطه که تا کار حق را کنند مغلطه
 ولی آگه است حضرتِ کردگار بر اعمالِ انسان و بر گفت و کار

وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ

﴿۳۱﴾

نماییم دائم همی امتحان شما را به اسرارِ غیب و عیان
 مجاهد چو باشد کسی سوی رب دهد امتحانی به صبر و تعب
 مقامش بود منحصر آن صبور زِ اخبار و اعمالِ نزدِ غفور

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ۚ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالُهُمْ

هم آنان که کافر شدند بر احد بیستند ز کین راه خلق بر صمد
مخالف بگشتند باز بر رسول پس از آنکه حق را نموده قبول
ضرر کی رسانند به پروردگار؟ که بیند ضرر جمله، پایان کار
خداوند ز فعل و ز رفتارشان دهد بر فنا جمله اعمالشان

﴿ ۵ ﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

کسانی که ایمان بیاورده‌اید! ز حق و رسولش اطاعت کنید
مراقب شوید خود بر افعالتان به ابطال نیارید اعمالتان
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

به تحقیق، کسانی که کافر شدند ز کفر و نفاق جملگی دم زدند
که مانع بگشتند در روزگار و بستند ز کین راه پروردگار
به هنگام مرگ همه کفر و کین نبیند غفران ز حق بالیقین
فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرِكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ

نباشد روا بر شما بندگان که سستی بورزید در راهتان
که از ترس جنگ و هراس گران به ناحق کنید صلح با کافران
چو هستید شما جمله والامقام به کفار سرآمد بگردید تمام
خدا هست یار و مددکارتان که ضایع نگرداند اعمالتان

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُمْ وَإِنْ تَوَّابُونَ تَتَّقُوا يَوْمَ تُكْفَرُ أَجُورُكُمْ وَلَا يَسْأَلُكُمْ أَمْوَالُكُمْ

یقین، زندگی در جهانِ تباه هوسرانی و بازی است و گناه
 شما گر شوید جمله پرهیزکار زِ قلب و زِ جان، مؤمنِ کردگار
 به پاداشِ نیکو و فعلِ مُبین بودِ اجرتان آن بهشتِ برین
 نخواهد خدا در عوضِ مزد و مال که مستغنی است حضرتِ ذوالجلال

إِنْ يَسْأَلُكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخُلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ

اگر مالتان را به راهِ خدا بخواهد که از خود نمایید جدا
 زِ بخلِ عذر آرید بسی گونه‌گون کنید آشکار، حُبِّ دنیایِ دون
 هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنْ
 نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

بسی از شما مردمِ روزگار شوید گر که دعوتِ زِ پروردگار
 که انفاق نمایید در راهِ حق زِ بُخلِ آورید عذرهای سبق
 اگر بخل ورزد کسی زین میان ضررها ببیند زِ بخلِ همچنان
 غنی باشد و بی‌نیاز ذوالجلال شما خود فقیرید یقین بالمآل
 بتابد زِ حق گر سر و رویتان کند جایگزین دیگری جایتان
 که باشند فداکار، نه آنکه بخیل چنین هست اراده زِ ربِّ جلیل